

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری

لیلا زارعی وند،^{*} شفیعہ قدرتی،^{**} عبدالمجید ارفعی مقدم^{***}

کد ارکید: ۲۳۲۰-۹۹۷۷-۰۰۰۲-۰۰۰۰

کد ارکید: ۸۹۰۷-۴۷۷۲-۰۰۰۳-۰۰۰۰

کد ارکید: ۱۲۸۸-۰۰۰۱-۰۰۰۳-۰۰۰۰

چکیده

بی تفاوتی اجتماعی یک مسئله اجتماعی است؛ که در آن، بین آگاهی، احساس و رفتار افراد نسبت به مسائل اجتماعی نوعی گسست و جدایی وجود دارد و این گسست باعث می شود که کنش چندانی نسبت به مسائل اجتماعی صورت نگیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری و عوامل مؤثر بر آن می باشد. این تحقیق با روش پیمایشی و با تکنیک پرسشنامه انجام شد. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۰ نفر برآورد شده است که با روش تصادفی طبقه بندی شده انتخاب شدند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میزان بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان، متوسط می باشد و ۷/۷۳ درصد آنها بی تفاوتی متوسطی داشتند. بین متغیرهای زمینه ای شامل جنسیت، محل سکونت، قومیت، رشته و مقطع تحصیلی با بی تفاوتی اجتماعی تفاوت معناداری پیدا نشد؛ ولی بین وضعیت تأهل و سن با بی تفاوتی اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. عدم معناداری اغلب متغیرهای زمینه ای نشانگر عمومیت این پدیده در بین دانشجویان، فارغ از زن یا مرد، شهری یا روستایی بودن و قومیت های مختلف است. متغیر زمینه خانوادگی در تمام آزمون های دومتغیره و چند متغیره همواره، بیشترین اثرگذاری را داشت. ترتیب بندی متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر بی تفاوتی اجتماعی براساس تحلیل مسیر عبارتند از: زمینه خانوادگی، احساس بی هنجاری اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رسانه های گروهی، اعتماد اجتماعی و امید به آینده بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشانگر این است که ۲۹ درصد از تغییرات بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان، توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود. بدین ترتیب، به رغم اینکه در تبیین بی تفاوتی اجتماعی به نظریات مختلف و متنوعی پرداخته شد، اما میزان تبیین متغیر وابسته، چندان بالا نبود. این امر می تواند نشانگر آن باشد که بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان، ویژگی های منحصر بفردی دارد که در نظریه ها، بدان پرداخته نشده است.

کلیدواژه ها: بی تفاوتی اجتماعی، بی هنجاری اجتماعی، دانشجویان، زمینه خانوادگی.

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی. leilazareh5@gmail.com.

** استادیار جمعیت شناسی دانشگاه حکیم سبزواری. (نویسنده مسئول) s.ghodrati@hsu.ac.ir

*** استادیار جامعه شناسی دانشگاه حکیم سبزواری. marfaeim@hotmail.com

این مقاله مستخرج از پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد می باشد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۲۵-۱۵۲

۱. مقدمه و بیان مسئله

انسان ذاتاً اجتماعی است و بدون زندگی اجتماعی نمی‌تواند ادامه حیات دهد؛ بنابراین، به حضور دیگران در زندگی خود محتاج است. نوع‌دوستی یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف اخلاقی اجتماعی است که تضعیف آن موجب بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شود و همین امر اختلال رابطه‌ای در جامعه ایجاد می‌کند. بی‌تفاوتی دقیقاً به معنای نقض اجتماعی بودن انسان و نوع‌دوستی او است؛ زیرا فرد در حالت بی‌تفاوتی، نسبت به افراد پیرامون خود و اتفاقاتی که در جهان خارج از او اتفاق می‌افتد بی‌اعتنا می‌شود. در مقابل پیش آمدها سکوت می‌کند و به سوی فردگرایی و بیگانگی کشیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، سپیدی یا سیاهی در مقابل دیدگان او یکسان است.

بی‌تفاوتی^۱ به معنای فقدان علاقه نسبت به انجام دادن هر رفتار و اقدام یا کناره‌گیری و سهمیم نشدن در مسائل اجتماعی است (قاضی‌زاده و کیانپور، ۱۳۹۴: ۵۹). بی‌تفاوتی اجتماعی^۲ وضعیتی است که طی آن، افراد به‌واسطه عدم اتصال ذهنی و عینی با جامعه، با بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی به واقعیت‌های پیرامون، از انجام دادن مشارکت اجتماعی-سیاسی، مسئولیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های دگرخواهانه و درگیری فعال و مدنی در مسائل اجتماعی پرهیز می‌کنند (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۹). بی‌تفاوتی اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن فرد دانشجو نسبت به زندگی اجتماعی و سیاسی خود بی‌تفاوت می‌گردد.

در تعریف جامعه‌شناختی مفهوم «بی‌تفاوتی»، برخی نویسندگان از مفاهیم مقابل آن مانند مشارکت و درگیری استفاده کرده‌اند (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲). از این رو، بی‌تفاوتی با عزلت‌گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار، هم معنی قرار گرفته است. مشارکت می‌تواند دارا بودن انگیزه‌های سیاسی مثل شرکت در انتخابات تا مناصب حزبی و مردمی، گروه‌ها و انجمن‌های مختلف اجتماعی-سیاسی را شامل گردد. برخی دیگر نوع‌دوستی را در مقابل بی‌تفاوتی قرار داده و به تحلیل و پژوهش در باب آن پرداخته‌اند (کلانتری؛ ادیبی؛ ربانی و احمدی، ۱۳۸۶: ۲۷)؛ بنابراین مشارکت اجتماعی، نوع‌دوستی، تعهد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی مفاهیم مقابل بی‌تفاوتی اجتماعی می‌باشند که در صورت فقدان آنها در جامعه، جامعه با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود.

^۱apathy

^۲social apathy

مشارکت و اعتنای شهروندان، از ارکان توسعه‌یافتگی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی است و در مقابل، عدم مشارکت و رواج بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان، از جمله، علل توسعه‌نیافتگی شناخته می‌شود. از این‌رو، صاحب نظران بر این باور تأکید ورزیده‌اند که بینش و اعتنای اجتماعی و سیاسی، باید جایگزین بی‌تفاوتی افراد و احاد جامعه گردد چراکه تحقق، تداوم و استمرار توسعه پایدار در هر جامعه منوط به مشارکت همه افراد آن می‌باشد. قدر مسلم، انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر و "باهمبودگی" است که موجبات تعالی و رسیدن به وجود و جهت انسانی خود را فراهم می‌آورند. آگاهی، آزادی، مسئولیت و اراده انسانی ایجاب می‌کند رابطه‌ای گرم و صمیمی را که متضمن نظم اجتماعی مطلوب است با سایر هم‌نوعان خود داشته باشد تا از هرگونه انفعال و انزوا مصون بماند. شاید به تعبیری، بتوان گفت در صورت وسعت و گسترش بی‌تفاوتی اجتماعی در روابط انسانی، جوامع انسانی به نازل‌ترین سطح اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی مبتلا خواهند شد و موجبات اضمحلال و نابودی آنها فراهم خواهد شد. از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی، موضوع مهم دیگر در مسئله بی‌تفاوتی اجتماعی آن است که بنابر قاعده تسری اجتماعی، این مسئله به‌طور بالقوه و بالفعل می‌تواند باعث شیوع و عمومیت در جامعه و ناتوانی نظری و عملکردی (مشارکتی) افراد شود. گاه عناصری منفی در جامعه پدیدار شده و به صورتی مسری به تدریج، سراسر جامعه را فرامی‌گیرند. بی‌تفاوتی اجتماعی می‌تواند در اثر تکرار مشاهدات انسان‌ها و یادگیری اجتماعی افراد به صورتی همه‌گیر درونی شود و مخاطرات بسیاری را برای جامعه در پی داشته باشد. از سوی دیگر به لحاظ سیاسی بسیاری معتقدند اساس پیدایش و سیطره انواع استبداد در برهه‌های مختلف تاریخی در جوامع بشری، در بی‌تفاوتی و عدم مسئولیت طلبی توده‌ها است، چراکه در نظام‌های استبدادی، شهروندان فرمان‌بردار و فاقد قدرت هستند و مناسبات میان آنها مبتنی بر وابستگی یک‌سویه است و می‌توان گفت این امر از این نقطه نظر نیز، ضرورتی غیرقابل‌انکار را در مطالعه این موضوع فراهم می‌آورد (صداقتی فرد، ۱۳۹۲: ۲۱).

بنابراین برای دستیابی جامعه به توسعه، تعالی و تکامل و همچنین برای حفظ نظم جامعه و جلوگیری از بروز انواع بحران‌ها و همچنین استبداد در جامعه؛ اعتنای اجتماعی افراد جامعه به‌خصوص تحصیل‌کرده‌ها و دانشجویان و عدم بی‌تفاوتی اجتماعی آنها ضروری است.

مسئله بی‌تفاوتی به‌ویژه بی‌تفاوتی جوانان و قشر دانشجو مسئله‌ای است که به پویایی و نشاط جامعه صدمه وارد می‌کند؛ زیرا قشر جوان، سرمایه‌های آینده و آینده‌سازان جامعه هستند در صورت بی‌تفاوتی آنها نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و خانواده؛ کنش‌های سیاسی، تعیین سرنوشت خود، همچنین حقوق خود و هم‌نوعانشان ممکن است جامعه دچار رخوت و سستی شود، بی‌نظمی‌های فراوان در آن رخ دهد و درنهایت بقای جامعه مورد تهدید

واقع شود. اگر جوانان، نسبت به کوچک‌ترین بی‌نظمی در جامعه واکنش نشان دهند، مسئولیت‌پذیر و مشارکتی فعال در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... داشته باشند، در جامعه به فکر هم نوعان خود باشند و مسئله آنها را مسئله خود تلقی کنند؛ جامعه پویایی خود را حفظ خواهد کرد و روزبه‌روز به رشد و توسعه دست خواهد یافت.

مواردی در بین دانشجویان مشاهده می‌شود که احتمال بالا بودن بی‌تفاوتی اجتماعی را نشان می‌دهد؛ مثلاً دانشجویان به فکر امورات خود هستند و می‌خواهند کسی کاری به کارشان نداشته باشد، از توجه به محیط اطراف و افراد آن امتناع می‌کنند، سعی در سازگاری با محیطشان دارند و به فکر تغییر محیط خود نیستند و... مشاهده مواردی این‌چنین، پژوهشگر را به انجام پژوهش حاضر سوق داد. بر اساس آنچه گفته شد مسئله تحقیق حاضر عبارت است از: اینکه میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری چقدر است و این میزان چه ارتباطی با برخی عوامل اجتماعی مورد بررسی تحقیق دارد.

۱-۱. پیشینه تجربی

براساس مرور پیشینه داخلی مرتبط با تحقیق؛ تعداد پژوهش‌هایی که در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی انجام یافته‌اند نسبت به قبل افزایش پیدا کرده است به طوری که در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ هفت پژوهش انجام گرفته است. اکثر پژوهش‌های انجام شده، به روش کمی هستند که مسئله بی‌تفاوتی اجتماعی را هم روی شهروندان و هم روی دانشجویان بررسی کرده‌اند. پژوهش‌ها جمعاً ۳۰ متغیر مستقل را در شهرهای مختلف ایران بررسی کرده‌اند که در کلان‌شهرهای ایران؛ میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در حد متوسط رو به بالا قرار دارد. در ادامه به مهمترین پژوهش‌های داخلی اشاره‌ای کوتاه می‌شود.

در پژوهشی که کلانتری و همکاران در سال ۱۳۸۶ در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران انجام داده‌اند، نشان دادند که در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری، نسبت نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران ۷۵/۳ درصد و نسبت بی‌تفاوتی ۲۴/۷ درصد است. صدقاتی فرد (۱۳۸۷) در پژوهشی در شهر تهران نشان داد که میانگین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی، سطح متوسط رو به بالایی دارد که متغیر التزام مدنی تأثیرگذارترین عامل بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان بوده است. محسنی تبریزی و صدقاتی فرد (۱۳۹۰) پژوهش دیگری را در شهر تهران، انجام دادند که نشان می‌داد میزان بی‌تفاوتی شهروندان تهرانی بالاتر از حد متوسط است و بین متغیرهای بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی،

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)

فردگرایی، تحلیل هزینه- پاداش و التزام مدنی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. ظهیری نیا و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی انجام دادند که نشان می‌داد، بین متغیرهای بیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، محرومیت نسبی، تحلیل هزینه- پاداش و ادراک عدالت با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. مطالعه حکمت پناه (۱۳۹۴) در شهر تبریز و فولادیان (۱۳۹۴) در شهر مشهد نیز نشان دهنده سطوح بالایی تفاوتی اجتماعی در کلان‌شهرهای کشور است. نتایج پژوهش مقصودی (۱۳۹۴) نشان داد دانشجویان نسبت به طلاب از بی تفاوتی اجتماعی و انزوای اجتماعی بالاتر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و مابین متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انزوای اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

مرور پیشینه تحقیقات خارجی نیز ابعاد مختلف بی تفاوتی را بیان می‌کند؛ چنانکه گانتز دن^۱ (۱۹۵۶)، در پژوهشی با عنوان «از خودبیگانگی و بی تفاوتی سیاسی» ضمن بررسی ادبیات از خود بیگانگی؛ مقیاس اندازه‌گیری از خود بیگانگی و بی تفاوتی سیاسی را بسط داد. وی پژوهش مذکور را در یک نمونه مادرشهری، انجام داده است که مفهوم از خود بیگانگی را به سه مؤلفه احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی تقسیم کرده و مفهوم بی تفاوتی سیاسی را براساس میزان علاقه، میزان اطلاعات و میزان اثرگذاری مورد سنجش قرار داد. نتایج حاکی از آن است که بین متغیر سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری، وجود دارد؛ اما بین از خود بیگانگی و بی تفاوتی سیاسی همبستگی پایینی وجود دارد.

اسنین بورگ و اسپرز^۲ (۱۹۹۱)، در پژوهشی با عنوان «طبقه اجتماعی و رفتار سیاسی در طول یک دوره، رکود اقتصادی: بی تفاوتی و رادیکالیسم در هلند ۱۹۸۵» اذعان داشتند که در پژوهش‌های هلند؛ افزایش بی تفاوتی بین طبقاتی که بیش از همه از رکود اقتصادی ضربه خورده‌اند؛ نادیده گرفته شده است. آنان در پژوهش مذکور برای بی تفاوتی افراد طبقات پایین هلند در اواسط دهه ۸۰ و همچنین در مورد انگیزه کسانی که در طول این دوره به فعالیت‌های سیاسی رادیکال تمایل داشتند؛ مدلی تدوین کرده و آن را در هلند در سال ۱۹۸۵ آزمون کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که افراد طبقات محروم، احتمال بی‌هنجاری را افزایش می‌دهند و بی‌هنجاری موجب بی تفاوتی سیاسی می‌شود.

^۱Dwicht Gantz Dean

^۲Snipenburg and Scheepers

هندلمن^۱ (۱۹۹۹)، در پژوهش «تعریف و ارزیابی بی‌تفاوتی نوجوانان» اذعان داشت که گرایش به سوی افزایش بی‌تفاوتی عمومی و متارکه علمی و اجتماعی بین نوجوانان دهه ۱۹۹۰ مشاهده می‌شود. وی نشان داد که تعریف روشنی از بی‌تفاوتی نوجوانان و همچنین ابزار خاص برای ارزیابی ساختار آن وجود ندارد. در این مطالعه، بی‌تفاوتی نوجوانان به عنوان فقدان علاقه به بسیاری از فعالیت‌ها، همراه با کاهش یا توقف در تعیین هدف و رفتارهای معطوف به هدف تعریف شده است یک پرسشنامه، موسوم به پرسشنامه بی‌تفاوتی نوجوان (AAI) ساخته شده و علاوه بر این، دانش آموزان مورد بررسی جمعیت شناختی و مقیاس افسردگی نوجوان رینولد (RADS) قرار گرفتند. نتایج نشان داد بی‌تفاوتی با افسردگی ارتباط متوسط دارد. نوجوان بی‌تفاوت کمتر به تیم‌ها، باشگاه‌ها و سازمان‌های علمی می‌پیوندند؛ اهداف واقع بینانه و خاص برای خودشان ندارند و معمولاً مشکلات رفتاری و اجتماعی بیشتری نسبت به سایر نوجوانان دارند.

دیویس^۴ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «پدیدارشناسی بی‌تفاوتی سیاسی» اذعان داشت که ماکس شلر^۵ در نقد ادبی خود در مورد جنبش جوانان آلمانی و ظهور فاشیسم در اروپا در اوایل ۱۹۲۰، مابین احساسات مختلف بی‌تفاوتی سیاسی تمایز قائل می‌شود. وی در این مقاله اعتدالی را به وسیله تمایزگذاری شلر فراهم می‌آورد که این تمایزگذاری منشأ مختلف خشونت توده مردم را نشان می‌دهد.

آنتونیو و یانگ^۶ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان «اثر دوره تصدی بر بی‌تفاوتی کارکنان و آشناسازی درمان» اذعان داشتند که تلاش‌های بازپروری زندانی توسط کارکنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و یافته‌ها به‌وضوح نشان داد که کارکنان با سابقه کار ۱۶ سال یا بیشتر، بی‌تفاوتی کمتری اظهار می‌کنند و همچنین؛ ویژگی‌های پاسخگویان از جمله، دوره تصدی و رسته شغل (پرسنل تعمیر و نگهداری، افسران و...) پیش‌بینی قوی‌تری از بی‌تفاوتی کارکنان نسبت به عوامل محیطی (استرس در محل کار، پشتیبانی سرپرست و...) مرتبط با زندان هستند.

^۱Handelman

^۲Adolescent Apathy Inventory

^۳Reynold's Adolescent Depression Scale

^۴Davis

^۵Scheler

^۶Antonio & Young

^۷Tenure

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)

اسکوا^۱(۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «مقابله با بی تفاوتی دانش آموزی به منظور تربیت دانش آموز متعهد» اذعان می‌دارد؛ داده‌های سه سالهٔ مدرسه‌ای در حومهٔ مریند نشان داد که مدرسه با مشکل بی تفاوتی دانش آموزان دست‌وپنجه نرم می‌کند. این مطالعهٔ موردی_کیفی که ریشه در یادگیری اجتماعی و نظریه‌های رشد شناختی ویگوتسکی و پیازه دارد، بی تفاوتی دانش آموزان و محیط یادگیری در مدرسهٔ مورد نظر را از دیدگاه ۸ دانش آموز سابق و والدینشان بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان داده است که دانش آموزان دلیل بی تفاوتی خود را اینگونه بیان کرده‌اند که انتخاب محدودی پیش روی خود داشتند، در برنامه‌ها سختگیری لازم وجود نداشت و دانش‌آموزانی که از نظر علمی یا رفتاری تلاش می‌کردند کمتر مورد حمایت مناسب قرار می‌گرفتند.

با توجه به آنچه گذشت، در این پژوهش، ضمن توجه به متغیرهای ملحوظ در تحقیقات قبلی، به دنبال بررسی وضعیت بی تفاوتی اجتماعی در جامعهٔ آماری دانشجویان با متغیرهای تا حدی متفاوت هستیم تا ضمن بسط مقیاس اندازه‌گیری بی تفاوتی اجتماعی؛ مشخص شود بی تفاوتی اجتماعی در بخشی از شهر میانه‌ای مانند سبزواری از چه شرایطی برخوردار است و مهمترین متغیرهای تاثیرگذار بر آن کدامند. بنابراین موضوع پژوهش در جامعهٔ آماری جدید و با متغیرهای تأثیرگذار نسبتاً جدید بررسی می‌شود.

۲. چارچوب نظری

به‌طور کلی می‌توان گفت عوامل متعددی در بروز بی تفاوتی اجتماعی یا مشارکت افراد در جامعه مؤثر واقع می‌شوند که می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی این عوامل را در سه دسته: عوامل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اقتصادی گنجانده. این عوامل به صورت متداخلی در نظریه‌های گوناگون به کار رفته‌اند. زیمل معتقد بود که دو ویژگی مهم در حیات شهری بر تفکر و رفتار مردم ساکن در شهر مؤثر است: (۱) شدت محرک‌های مربوط به اعصاب یا تهییج در شهر و (۲) حاکمیت آثار بازار بر روابط شهری. به نظر او در شهر نوعی نگرش دل‌زدگی پدیدار می‌شود که ناشی از محاسبهٔ زمان و رشد اقتصاد پولی است؛ یعنی انسان‌ها، بی تفاوت و خونسرد می‌شوند. به نظر او فرد شهری برای انطباق با زندگی شهری دل‌زدگی و بی تفاوتی یا خویش‌نمایی اجتماعی و عدم تعلق را در خود به وجود می‌آورد، با اطراف خود واقع بینانه برخورد می‌کند، در هر کاری دخالت نمی‌کند و به هر چیزی اهمیت نمی‌دهد. بدین ترتیب، زیمل معتقد است که

^۱Schou

زندگی در شهر مستلزم نوعی بی‌تفاوتی است که گاهی اوقات حتی به خصومت نیز منجر می‌شود (شارع پور، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۱).

امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی از پیامدهای پیشرفت و تمدن هراسناک بود و فردگرایی و بی‌تفاوتی را از عوارض خطرناک آن به شمار می‌آورد. وی معتقد بود که با «تراکم جمعیت و سپس تراکم اخلاقی و در نتیجه تقسیم‌کار، از بین رفتن هویت‌های محلی و گوناگونی و تضادهای فرهنگی» آنومی به وجود می‌آید. آنومی عبارت است از: شرایط آشفته و به هم ریخته‌ای که وقتی هنجارهای اجتماعی ضعیف شوند، از بین بروند یا در تضاد با هم قرار گیرند، هم در سطح فردی و هم در جامعه به وجود می‌آید (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۲). دورکیم به آنومی که نتایج آن به صورت‌های مختلف نظیر خودکشی و فردگرایی شدید و بی‌تفاوتی نمایان بود، به عنوان بحران تمدن اشاره می‌کرد و آن را شاهدهی بر عدم انسجام جامعه می‌دانست (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۰). از نظر دورکیم، در نتیجه پیشرفت جوامع، آنومی که حالتی از بی‌هنجاری است ظهور می‌کند، در این حالت، چون افراد الگوی رفتاری خاصی ندارند؛ دچار سردرگمی می‌شوند، در نتیجه، بی‌تفاوتی اجتماعی نمایان می‌شود. بنابراین، بی‌تفاوتی اجتماعی تهدیدی برای انسجام جوامع است.

در نظر لیپست مشارکت اجتماعی - سیاسی مطرح شده و مسئله بی‌تفاوتی به عنوان نقطه مقابل آن قابل شناسایی است و شامل فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه است. می‌توان گفت الگویی که لیپست در بررسی مشارکت از آن بهره می‌جوید الگویی جامعه‌شناختی است که در آن متغیرهای اجتماعی دارای محوریت و اهمیت فراوانی هستند. وی کوشیده است عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی - سیاسی را در الگویی کلی بررسی کند، لذا با پژوهش در چگونگی و الگوی مشارکت کشورهای مختلف اروپا و آمریکا مانند سوئد، آلمان، فنلاند، نروژ و ایالات متحده آمریکا، بر این باور است که الگوی شرکت در انتخابات در این کشورها کمابیش یکسان است چرا که میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در میان مردان، شهرنشینان، تحصیل کرده‌ها، متأهل‌ها، افراد محدوده سنی ۳۵-۵۵ سال، افرادی که منزلت اجتماعی بالایی را دارا هستند و در نهایت، اعضای سازمان‌ها، احزاب و شوراها بیشتر است. با وجود اینکه الگوی نظری لیپست بر مبنای داده‌های موجود در ارتباط با ساختار سیاسی - اجتماعی نظام‌های دموکراتیک غربی طراحی شده است به نظر برخی محققان، عوامل اجتماعی مورد توجه وی، با اندکی تفاوت در میزان تأثیرپذیری از عوامل یاد شده در جوامع دیگر قابل اعمال است (صدیقی فرد، ۱۳۹۲: ۳۹).

^۱Lipset

مفهومی که دانیل لرنر برای سنجش مشارکت به کار می‌گیرد همدلی است. همدلی مفهومی روان‌شناختی - اجتماعی و بنا به تعریف عبارت است از: «اقدامی در جهت ارتباط با دیگران به منظور درک من دیگر یا به عنوان یک فرد دیگر و در جهت پیش‌بینی حدود و توانایی‌های او» (کازنو، ۱۳۶۵: ۳۱۵). وی در مطالعاتش در خاورمیانه و از جمله، ایران به این نتیجه رسید که

(۱) میان وجود و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی؛ (۲) بین شهرنشینی و مشارکت اجتماعی و (۳) تحصیل و سواد با مشارکت همبستگی معناداری وجود دارد که سومین مورد قوی‌ترین همبستگی در این میان است. لرنر انسان‌ها را بر مبنای گرایش به سه دسته تقسیم می‌کند: سنتی، در حال انتقال و نوگرا. سپس متذکر می‌شود که این انسان نوگراست که به میزان بالایی مشارکت می‌کند. از نظر او انسان نوگرا با ویژگی‌هایی نظیر داشتن طرز فکر و دید جهانی و نه محلی، شهرنشین بودن، داشتن قدرت انتقال فکر، باسواد بودن، مشارکت‌جویی و داشتن بینش غیر زاهدانه مشخص می‌شود. به‌طور خلاصه، لرنر متغیرهای مستقلی از جمله سواد، شهرنشینی، استفاده از رسانه‌ها، تشکل‌های جمعی و... را به کار می‌گیرد تا مشارکت را تبیین نماید (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۳ - ۱۶۲).

ساسول^۲ جریان اجتماعی شدن و تجارب تدریجی در جامعه را از جمله عوامل سرخوردگی و دل‌مردگی اجتماعی افراد معرفی کرده و معتقد است که هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از احساس عدم اثربخشی در فرآیندهای اجتماعی - سیاسی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسائل اجتماعی وجود دارد (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۶).

رابرت دال^۳ در اثر خود با عنوان تجزیه و تحلیل جدید سیاست پس از ذکر این که انسان ذاتاً حیوانی اجتماعی است و برحسب ضرورت یا غریزه به زندگی اجتماعی روی می‌آورد. در نهایت با ارسطو هم‌آواز می‌شود که «انسان حیوانی سیاسی است»؛ اما به‌زعم او همه انسان‌ها به‌گونه‌ای مساوی، سیاسی نیستند. وی افراد را برحسب میزان درگیری به گروه‌های قدرتمندان (بالترین میزان درگیری)، قدرت‌طلبان، طبقه سیاسی و طبقه غیرسیاسی (پایین‌ترین میزان درگیری) تقسیم می‌کند. آنچه به بحث ما مربوط می‌گردد «طبقه غیرسیاسی» است:

الف) طبقه غیرسیاسی: از نظر دال، طبقه غیرسیاسی طبقه‌ای است که از درگیر شدن با مسائل سیاسی و عضویت در نهادها و انجمن‌های سیاسی می‌پرهیزد. این طبقه، بی تفاوت‌ها را

^۱Lerner

^۲Southwell

^۳Dahl

در برمی‌گیرد که در مقایسه با سایر قشرها (قدرتمندان، قدرت‌طلبان و طبقه سیاسی) تمایل کمتری به استفاده از فرصت‌های شرکت در فعالیت سیاسی را دارند. وی در تبیین بی‌تفاوتی در جوامع جدید، قضایای زیر را مطرح می‌سازد:

(۱) هرگاه شخص بین شقوق پیش روی خود تفاوت‌های بارزی احساس نکند و به آنها اهمیت ندهد، کمتر به سیاست خواهد پرداخت. به تعبیر دیگر، هرگاه شخص تصور کند که در صورت انتخاب هیچ‌چیز عوض نخواهد شد، تمایل به مشارکت نخواهد داشت.

(۲) هرگاه انسان فکر کند که نمی‌تواند در سیاست منشأ اثر گردد و ضمن درگیری و عمل سیاسی نتواند منشأ تغییراتی گردد، (احساس عدم کارایی) بی‌تفاوت خواهد شد.

(۳) هرگاه مردم در ارزیابی خود متوجه شوند که پاداش حاصل از درگیری سیاسی از پاداش‌های ناشی از فعالیت‌های دیگر ناچیزتر است خود را کمتر درگیر سیاست می‌کنند.

(۴) هرگاه مردم معتقد باشند که بدون مداخله آنها هم اقدامات سیاسی رضایت آنها را جلب می‌کند احتمال مشارکت آنها کمتر می‌گردد.

(۵) هرگاه شخص ببیند که دانش او محدودتر از آن است که بتواند با دخالت در سیاست به کارایی کافی برسد، ترجیح می‌دهد در انزوا بماند.

(۶) و بالاخره هر چه مشکلات وارد شدن در سیاست بیشتر باشد احتمال مشارکت کمتر خواهد بود (دال، ۱۳۶۴: ۱۴۰-۱۳۰، به نقل از مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۶۱).

مولیناس^۱ معتقد است با افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه، مشارکت اجتماعی گسترش می‌یابد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۲). راجرز^۲ در فرهنگ دهقانی خود بیان می‌کند که عواملی مانند عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توجه به عنصر زمان، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی‌گرایی و فقدان همدلی سبب عدم مشارکت و تعاون در امورات اجتماعی می‌گردد (همان: ۴۸-۴۹).

در این پژوهش برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی از نظریات لیپست، دورکیم، لرنر، دال، ساسول، مولیناس و راجرز استفاده شده است. لیپست عوامل اجتماعی چون جنسیت، سن، تحصیلات، محل سکونت، وضعیت تأهل، منزلت اجتماعی و درآمد را به عنوان عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی یا مشارکت سیاسی مردم یک جامعه برجسته می‌سازد و تحقیق حاضر سعی دارد این عوامل اجتماعی را بررسی تجربی کند، همچنین متغیر

^۱Molinas

^۲Rogers

میزان استفاده از رسانه‌های گروهی تئوری لرنر گرفته شده است؛ زیرا، لرنر براساس مطالعاتش در خاورمیانه از جمله ایران به این نتیجه رسیده است که بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد. متغیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی از نظریه دورکیم گرفته شده است. دورکیم معتقد است که در نتیجه تراکم جمعیت، تقسیم کار و پیشرفت تکنولوژی؛ آنومی که حالتی از بی‌هنجاری است به وجود می‌آید و در نتیجه آنومی بی‌تفاوتی اجتماعی نمایان می‌شود. متغیر اثر بخشی اجتماعی از نظریه دال گرفته شده است که معتقد است طبقه بی‌تفاوت‌ها احساس عدم کارایی می‌کنند و احساس می‌کنند که نمی‌توانند منشأ اثر باشند؛ بنابراین، به بی‌تفاوتی روی می‌آورند. متغیر اعتماد اجتماعی از نظریه مولیناس و راجرز گرفته شده است که معتقدند کاهش سرمایه اجتماعی از جمله، اعتماد اجتماعی سبب عدم مشارکت و تعاون در امور اجتماعی می‌گردد. ساسول جریان اجتماعی شدن را از جمله عوامل دلمردگی اجتماعی معرفی می‌کند. یکی از عوامل اجتماعی شدن خانواده است که تحقیق حاضر متغیر زمینه خانوادگی را با استفاده از این نظریه به سنجش می‌گذارد. متغیر امید به آینده متغیر جدیدی است که تحقیقات قبلی آن را مورد سنجش قرار نداده‌اند. چون امید به آینده به خصوص در مورد جوانان و دانشجویان عامل مهمی برای رفتار آنها محسوب می‌شود بنابراین تحقیق حاضر سعی در سنجش آن دارد.

۲-۱. فرضیه‌ها

- ۱) بین میزان استفاده دانشجویان از رسانه‌های گروهی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۲) بین میزان امید به آینده دانشجویان و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۳) بین میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۴) بین احساس بی‌هنجاری اجتماعی دانشجویان و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۵) بین احساس اثربخشی اجتماعی دانشجویان و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۶) بین زمینه خانوادگی دانشجویان و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

۷) میزان بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای (شامل جنسیت، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، قومیت، وضعیت تأهل، محل سکونت، سن و طبقه اجتماعی-اقتصادی) متفاوت است.

۳. روش شناسی

۳-۱. روش تحقیق، جامعه آماری و طرح نمونه‌گیری

نوع تحقیق حاضر پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری پژوهش، همه دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری بودند که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بوده و مجموعاً ۹۶۵۷ نفر بودند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۷۰ نفر تعیین شد. جامعه آماری پژوهش حاضر از ده طبقه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشکده علوم پایه، دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر، دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر، دانشکده نفت و پتروشیمی و دانشکده معماری و شهرسازی) با رشته‌ها و مقاطع تحصیلی و تعداد جمعیت متفاوت از هم تشکیل شده است؛ بنابراین از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب استفاده شده است تا نسبت حجم جمعیت نمونه طبقات مختلف با حجم جمعیت جامعه آماری متناسب باشد. به‌طور مثال جمعیت دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی برابر بود با ۹۱۴ نفر که تقسیم‌بر تعداد کل دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری شد و سپس در حجم نمونه یعنی عدد ۳۷۰ ضرب گردید و به این ترتیب، نسبت تمامی دانشکده‌ها و مقاطع تحصیلی به تفکیک جنسیت به دست آمد. و بخش پرسشنامه‌ها بین دانشجویان بر اساس همین نسبت‌ها بین دانشکده‌ها، مقاطع تحصیلی و جنسیت دانشجویان صورت گرفت.

۳-۲. سنجش‌ها

ابتدا به تعریف متغیر وابسته یعنی بی تفاوتی اجتماعی می‌پردازیم:

بی تفاوتی اجتماعی: به عنوان متغیر وابسته تحقیق، به وضعیتی گفته می‌شود که طی آن، افراد به واسطه عدم اتصال ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) با جامعه (همنوعان، نهادها و

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)

ساختارهای اجتماعی)، با بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی به واقعیت‌های پیرامون از انجام مشارکت اجتماعی - سیاسی، مسئولیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های دگرخواهانه و درگیری فعال و مدنی در مسائل اجتماعی پرهیز می‌کنند (صداقتی فرد، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸) در تحقیق حاضر بی‌تفاوتی به دو مؤلفه نگرشی (۸ گویه) و رفتاری (۱۸ گویه) تقسیم شده است. برای گویه‌های مذکور از ۵ گزینه کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم استفاده شد که در سطح سنجش رتبه‌ای می‌باشد.

امید به آینده: امید در بردارنده تصورات و توجهات افراد به آینده است و با این تصور که احتمال دارد نتایج مثبت حاصل گردد، باعث تلاش فرد می‌شود. هر نوع مفهوم سازی از امید، ویژگی‌های چندبعدی، پویایی، آینده نگر و فرآیندنگری آن را منعکس می‌کند (مک کلمنت و چو کنیوف، ۲۰۰۸؛ به نقل از فولادیان، ۱۳۹۲: ۱۴۱). برای سنجش متغیر امید به آینده از ۷ گویه استفاده شد که در سطح سنجش رتبه‌ای است.

اعتماد اجتماعی: اعتماد را می‌توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی دانست که دارای دو طرف اعتمادکننده و اعتماد شونده (فرد یا گروه) است و آسان کننده روابط اجتماعی بوده، امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد. در مورد انواع اعتماد، می‌توان از نظر جامعه‌شناسی، از سه سطح اعتماد: (۱) اعتماد بین شخصی (روابط چهره به چهره؛ ۲) اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به افراد جامعه) و (۳) اعتماد نهادی یا مدنی (اعتماد به نظام‌های انتزاعی) نام برد (بختیاری، ۱۳۸۹: ۶۸). برای سنجش اعتماد اجتماعی از ۱۶ گویه استفاده شد که سطح سنجش آنها رتبه‌ای می‌باشد.

احساس بی‌هنجاری اجتماعی: بی‌هنجاری به وضعیتی اطلاق می‌شود که افراد از قواعد و دستورالعمل‌های لازم برای کنش‌های فعال اجتماعی برخوردار نیستند. در وضعیت بی‌هنجاری، انسان‌ها قادر به کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند (نوابخش و میرزایی، ۱۳۹۴: ۵۷-۵۶). برای سنجش احساس بی‌هنجاری اجتماعی از ۷ گویه استفاده شد که سطح سنجش آنها رتبه‌ای می‌باشد.

اثربخشی اجتماعی: احساسی است که طی آن فرد یا افراد، مطابق با عمل اجتماعی خود در جامعه به ارزیابی توانایی خود پرداخته و میزان اثرگذاری آن را با به اجرا درآوردن یک عمل مشخص می‌کنند. احساس اثربخشی با دو مؤلفه اثربخشی درونی (انتظار متصور فرد از توان فردی) و اثربخشی بیرونی (باورها و اعتقادات فرد از محیط اجتماعی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۷). برای سنجش اثربخشی اجتماعی از ۱۱ گویه استفاده شد که سطح سنجش آنها رتبه‌ای می‌باشد.

زمینه خانوادگی: منظور از زمینه خانوادگی در تحقیق حاضر شرایط و بسترهایی است که در خانواده، موجب بی تفاوتی یا تشویق فرد برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی می‌شود و برای سنجش آن از ۴ گویه استفاده شد که سطح سنجش آنها رتبه‌ای است. در نهایت، برای ساختن نمرات مقیاس هر یک از متغیرها، میانگین گویه‌های مربوطه محاسبه شده‌اند. بدین ترتیب نمرات بین ۱ تا ۵ می‌باشد و سطح سنجش فاصله‌ای است.

۳-۳. اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

فرآیند طراحی پرسشنامه، بدین صورت بود که ابتدا با استفاده از تجربیات تحقیقات پیشین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته بعد بندی و شاخص سازی شدند و پرسشنامه محقق ساخته طراحی شد. گویه‌های متغیرهای اصلی تحقیق براساس طیف لیکرت طراحی شدند. بعد از اتمام این مرحله، گویه‌های مذکور به نظر استادان و کارشناسان متخصص رسید تا دیدگاه ایشان برای تعدیل و اصلاح گویه‌ها لحاظ شود و از این بابت اعتبار پرسشنامه محرز گردد. برای تعیین پایایی از روش همسانی درونی گویه‌ها (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شد که نتایج آن در جدول (۱-۳) آورده شده است.

جدول (۱-۳) پایایی مقیاس‌های تحقیق

آلفا (α)	تعداد گویه‌ها	مقیاس‌ها
۰/۷۳	۸	مؤلفه نگرشی
۰/۸۰	۱۸	مؤلفه رفتاری
۰/۸۸	۵	اثربخشی درونی
۰/۶۵	۶	اثربخشی بیرونی
۰/۶۴	۷	اعتماد تعمیم‌یافته
۰/۶۴	۴	اعتماد بین شخصی
۰/۸۶	۵	اعتماد نهادی
۰/۸۱	۷	احساس بی‌هنجاری اجتماعی
۰/۶۱	۷	امید به آینده

زمینه خانوادگی	۴	۰/۵۴
----------------	---	------

۴. یافته ها

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی و سپس استنباطی بیان می‌شود. در بخش یافته‌های استنباطی ابتدا آزمون فرضیات و پس از آن تحلیل رگرسیون چندگانه و در آخر تحلیل مسیر انجام شده است.

بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش؛ ۶۱/۴ درصد از پاسخگویان زن و ۳۸/۶ درصد مرد بوده‌اند. ۶۲/۸ درصد از آنها در گروه سنی ۱۸ تا ۲۳ سال قرار داشتند. ۸۳/۸ درصد آنها مجرد، ۷۸/۱ درصد ساکن شهر و ۶۴/۹ درصد فارس بودند. ۶۸/۷ درصد دانشجوی مقطع کارشناسی و ۳۱/۴ درصد مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. برای سنجش متغیر طبقه اجتماعی-اقتصادی از درآمد خانواده، سطح تحصیلات والدین و وضعیت اشتغال و نوع شغل والدین استفاده شد که به شرح زیر می‌باشد: از نظر تحصیلات والدین پاسخگویان؛ بیشترین درصد مربوط به دیپلم (۲۶ درصد) بود. از نظر وضعیت اشتغال والدین، ۵۹/۲ درصد پدران پاسخگویان شاغل و ۸۰/۵ درصد مادران پاسخگویان خانه‌دار بودند. ۶۶/۸ درصد پاسخگویان در طبقه اجتماعی-اقتصادی متوسط قرار داشتند و ۸۰/۵ درصد آنها روزانه کمتر از ۲ ساعت از رسانه‌های گروهی استفاده می‌کردند.

یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق در جدول (۴-۱) آورده شده است که نشانگر میانگین اثربخشی اجتماعی بالاتر از حد وسط؛ میانگین احساس بی‌هنجاری اجتماعی بالاتر از حد وسط؛ میانگین امید به آینده پایین‌تر از حد وسط؛ میانگین اعتماد اجتماعی پایین‌تر از حد وسط و میانگین زمینه خانوادگی بالاتر از حد وسط بود.

جدول (۴-۱) آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار	واریانس
اثربخشی اجتماعی	۱/۱۰	۵	۳/۳۳	۰/۷۸۸	۰/۶۲۲
احساس بی‌هنجاری اجتماعی	۱/۲۹	۵	۳/۶۲	۰/۷۷۴	۰/۵۹۹
امید به آینده	۱	۴/۴۳	۲/۶۹	۰/۶۶۹	۰/۴۴۸

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲

اعتماد اجتماعی	۱/۳۶	۴/۰۹	۲/۶۵	۰/۴۸۷	۰/۲۳۸
زمینه خانوادگی	۱	۵	۳/۴۸	۰/۵۹۲	۰/۳۵۱

در مورد متغیر وابسته تحقیق؛ یعنی، بی تفاوتی اجتماعی، که نتایج آن در جدول (۴-۲) آورده شده است؛ نشان داد که حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان بی تفاوتی نگرشی متوسط و حدود ۷۲ درصد بی تفاوتی رفتاری متوسطی داشته‌اند؛ بنابراین، میزان بی تفاوتی رفتاری بیش از بی تفاوتی نگرشی است. در مجموع، ۷۳/۷ درصد دانشجویان بی تفاوتی اجتماعی متوسط داشتند. در نتیجه میزان بی تفاوتی اجتماعی در جامعه مورد نظر در حد متوسط بود.

جدول (۴-۲) فراوانی و درصد توزیع پاسخگویان براساس میزان بی تفاوتی اجتماعی و مولفه های آن

متغیرها	کم	متوسط	زیاد
مولفه نگرشی بی تفاوتی اجتماعی	۶۱ (۱۶/۵)	۲۵۲ (۶۸/۱)	۵۵ (۱۴/۹)
مولفه رفتاری بی تفاوتی اجتماعی	۴۴ (۱۱/۹)	۲۶۷ (۷۳/۲)	۵۶ (۱۵/۱)
بی تفاوتی اجتماعی	۴۶ (۱۲/۴)	۳۷۳ (۷۳/۷)	۵۱ (۱۳/۷)

بررسی‌های آماری نشان داد میزان بی تفاوتی‌مردان (با میانگین ۲/۲۴) و زنان (با میانگین ۲/۲۳) با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد. همچنین، میزان بی تفاوتی دانشجویان ساکن شهر (با میانگین ۲/۲۴) و ساکن روستا (با میانگین ۲/۱۹) با یکدیگر تفاوت معنادار ندارد. میزان بی تفاوتی دانشجویان متأهل (با میانگین ۲/۳۰) و مجرد (با میانگین ۲/۲۲) با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. بدین صورت که بی تفاوتی اجتماعی در دانشجویان متأهل بیشتر از مجرد است. میزان بی تفاوتی دانشجویان مقطع کارشناسی (با میانگین ۲/۲۹) و مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر (با میانگین ۲/۱۱) با یکدیگر تفاوت معنادار ندارد و میزان آن در هر دو گروه یکسان است.

جدول (۴-۳) نتایج آزمون t با دو نمونه مستقل

متغیر مستقل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
جنسیت	مرد	۲/۲۴	۰/۵۱	۰/۱۴۸	۳۶۵	۰/۵۴۲
	زن	۲/۲۳	۰/۴۷			
محل	۲۸۹	۲/۲۴	۰/۵۰۷	۰/۸۹۴	۳۶۵	۰/۰۵۷

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)

سکونت	روستا	۸۱	۲/۱۹	۰/۴۲۰		
وضعیت تأهل	مجرد	۳۱۰	۲/۲۲	۰/۴۵۹	۷۰/۴۰	۰/۰۳۲
	متأهل	۶۰	۲/۳۰	۰/۶۲۶		
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۲۵۴	۲/۲۹	۰/۴۹۲	۳/۱۳	۰/۳۴۶
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۱۶	۲/۱۱	۰/۴۶۵	۳۶۵	

نتایج بررسی‌های آماری بین دو متغیر بی تفاوتی اجتماعی و قومیت، نشانگر آن است که میانگین نمره بی تفاوتی اجتماعی قومیت فارس ۲/۲۳، قومیت ترک ۲/۱۶، قومیت کرد ۲/۳۲ و سایر قومیت‌ها ۲/۲۴ می‌باشد در این راستا آزمون F معنادار نشده است. بنابراین، می‌توان گفت میانگین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان برحسب قومیت آنان متفاوت نمی‌باشد.

جدول (۴-۴) نتایج آزمون F برای مقایسه بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان برحسب قومیت

قومیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار F	سطح معنی داری
فارس	۲۴۰	۲/۲۳			
ترک	۴۱	۲/۱۶	۳	۰/۶۶۳	۰/۵۷۵
کرد	۳۵	۲/۳۲			
سایر قومیت‌ها	۵۳	۲/۲۴			

نتایج بررسی‌های آماری بین دو متغیر بی تفاوتی اجتماعی و رشته تحصیلی، نشانگر آن است که میانگین نمره بی تفاوتی اجتماعی کسانی که رشته تحصیلی آنها علوم انسانی است ۲/۲۱، علوم پایه ۲/۲۸ و فنی و مهندسی ۲/۲۰ می‌باشد؛ در این راستا آزمون F معنادار نشده است. بنابراین، می‌توان گفت میانگین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان برحسب رشته تحصیلی آنان متفاوت نمی‌باشد.

جدول (۴-۵) نتایج آزمون F برای مقایسه بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان برحسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار F	سطح معناداری
علوم انسانی	۱۸۲	۲/۲۱			
علوم پایه	۱۱۲	۲/۲۸	۲	۰/۷۰۹	۰/۴۹۳
فنی و مهندسی	۶۸	۲/۲۰			

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون در جدول (۴-۶) آمده است. انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بی تفاوتی اجتماعی و طبقه اجتماعی - اقتصادی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بی تفاوتی اجتماعی و سن، رابطه معناداری را

نشان می‌دهد. بنابراین، دو متغیر ارتباط منفی و ضعیف با هم دارند؛ یعنی، با افزایش سن دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنان کاهش می‌یابد و بالعکس. انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های گروهی رابطه معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین، دو متغیر ارتباط مثبت و ضعیف با هم دارند؛ یعنی با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های گروهی؛ میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد و بالعکس. انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و احساس بی‌هنجاری اجتماعی رابطه معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین، دو متغیر ارتباط مثبت و ضعیف با هم دارند؛ یعنی با افزایش احساس بی‌هنجاری اجتماعی دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد.

نتایج آزمون پیرسون بین دو متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و اثربخشی اجتماعی رابطه منفی و نسبتاً متوسط را نشان می‌دهد. یعنی با کاهش اثربخشی اجتماعی دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنان افزایش می‌یابد و بالعکس. انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بی-تفاوتی اجتماعی و امید به آینده رابطه معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین، دو متغیر ارتباط منفی و ضعیف با هم دارند؛ یعنی با کاهش امید به آینده دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنان افزایش می‌یابد و بالعکس. انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و زمینه خانوادگی رابطه معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین، دو متغیر ارتباط منفی و متوسطی با هم دارند؛ یعنی با افزایش زمینه خانوادگی دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنان کاهش می‌یابد و بالعکس.

جدول (۴-۶) نتایج آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
طبقه اجتماعی - اقتصادی / بی‌تفاوتی اجتماعی	-۰/۰۰۴	۰/۹۴۵	۳۴۷
سن / بی‌تفاوتی اجتماعی	-۰/۱۱۳	۰/۰۳۴	۳۵۸
میزان استفاده از رسانه‌های گروهی / بی‌تفاوتی اجتماعی	۰/۱۱۹	۰/۰۲۳	۳۶۹
احساس بی‌هنجاری اجتماعی / بی‌تفاوتی اجتماعی	۰/۱۳۰	۰/۰۱۳	۳۷۰
اعتماد اجتماعی / بی‌تفاوتی اجتماعی	-۰/۱۰۲	۰/۰۵۲	۳۷۰
اثربخشی اجتماعی / بی‌تفاوتی اجتماعی	-۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	۳۷۰
امید به آینده / بی‌تفاوتی اجتماعی	-۰/۱۷۳	۰/۰۰۱	۳۷۰
زمینه خانوادگی / بی‌تفاوتی اجتماعی	-۰/۴۱۲	۰/۰۰۰	۳۷۰

برای مطالعه تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. این تحلیل که به روش توأمان انجام یافته است؛ شامل ۴ مدل است که عبارت‌اند از: مدل ۱: جنسیت، محل سکونت، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی - اقتصادی و سن. مدل ۲: رشته علوم انسانی، رشته علوم پایه و مقطع تحصیلی. مدل ۳: زمینه خانوادگی و مدل ۴: استفاده از رسانه‌های گروهی، امید به آینده، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی و احساس بی‌هنجاری اجتماعی. در دو مدل اول که شامل متغیرهای زمینه‌ای است؛ متغیرهای طبقه‌ای اگرچه سطح سنجش آنها فاصله‌ای نیست، اما به دلیل اهمیت آنها، به صورت متغیرهای تصنعی یا ساختگی در تحلیل رگرسیون وارد شده‌اند و فقط بود و نبود اثر را (به صورت یک و صفر) می‌سنجند. سطح معناداری دو مدل اول کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین، ضریب تعیین تعدیل شده ($R^2Adj.$) آنان معنادار نمی‌باشد، شاید دلیل اینکه متغیرهای زمینه‌ای در دو مدل اول اثری بر متغیر وابسته نداشتند؛ این است که مسئله بی‌تفاوتی اجتماعی فراگیرتر از جنسیت و محل سکونت و طبقه اجتماعی - اقتصادی و... افراد است. اما سطح معناداری مدل سوم چون کوچکتر از ۰/۰۰۱ است؛ بنابراین، ضریب تعیین تعدیل شده آن که برابر است با ۰/۱۸۱؛ معنادار می‌باشد و می‌توان گفت ۱۸ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط ۳ مدل اول تبیین می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده، برای مدل چهارم معادل ۰/۲۹۹ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری آزمون F که کوچکتر از ۰/۰۰۱ است؛ بنابراین، ضریب تعیین تعدیل شده مدل معنادار می‌باشد؛ یعنی ۲۹ درصد از تغییرات و پراکندگی متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی توسط ۴ مدل مذکور تبیین می‌شود. نتایج و ضرایب این روش رگرسیونی در جداول (۴-۷) آورده شده است. بر اساس ضرایب بتاهای مذکور می‌توان تأثیرگذارترین متغیرها را از بیشترین تأثیر تا کمترین به ترتیب زیر بیان کرد: زمینه خانوادگی، احساس بی‌هنجاری اجتماعی، اثربخشی اجتماعی و امید به آینده و استفاده از رسانه‌های گروهی.

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲

جدول (۴-۷) نتایج تحلیل رگرسیون به روش توأمان

متغیرها	مدل ۱			مدل ۲			مدل ۳			مدل ۴		
	تکرار	شتباه معیار	سطح معناداری	تکرار	شتباه معیار	سطح معناداری	تکرار	شتباه معیار	سطح معناداری	تکرار	شتباه معیار	سطح معناداری
جنسیت	-۰/۰۰۲	۰/۰۵۷	۰/۹۷۷	-۰/۰۰۶	۰/۰۵۹	۰/۹۱۵	-۰/۰۴۹	۰/۰۵۴	۰/۳۶۲	-۰/۰۷۷	۰/۰۵۳	۰/۱۴۲
محل سکونت	-۰/۰۹۶	۰/۰۶۹	۰/۱۶۳	-۰/۰۹۰	۰/۰۶۹	۰/۱۹۴	-۰/۰۸۲	۰/۰۶۳	۰/۱۹۶	-۰/۰۳۹	۰/۰۵۹	۰/۵۰۲
وضعیت تأهل	۰/۱۴۹	۰/۰۷۶	۰/۰۴۹	۰/۱۲۸	۰/۰۷۶	۰/۰۹۴	۰/۰۸۲	۰/۰۷۰	۰/۲۴۴	۰/۰۴۶	۰/۰۶۲	۰/۴۸۷
طبقه اجتماعی-اقتصادی	-۰/۰۶۵	۰/۰۵۲	۰/۲۱۳	-۰/۰۷۱	۰/۰۵۲	۰/۱۷۵	-۰/۰۵۵	۰/۰۴۸	۰/۲۵۲	-۰/۰۵۲	۰/۰۴۵	۰/۲۴۴
سن	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۸	۰/۰۴۶	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	۰/۸۴۳	-۰/۰۰۴	۰/۰۱۰	۰/۷۲۲	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۵۱۴
رشته علوم انسانی												
رشته علوم پایه												
مقطع تحصیلی												
زمینه خانوادگی												
رسانه‌های گروهی												
امید به آینده												
اعتماد اجتماعی												
اثربخشی اجتماعی												
احساس بی‌هنجاری اجتماعی												

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)

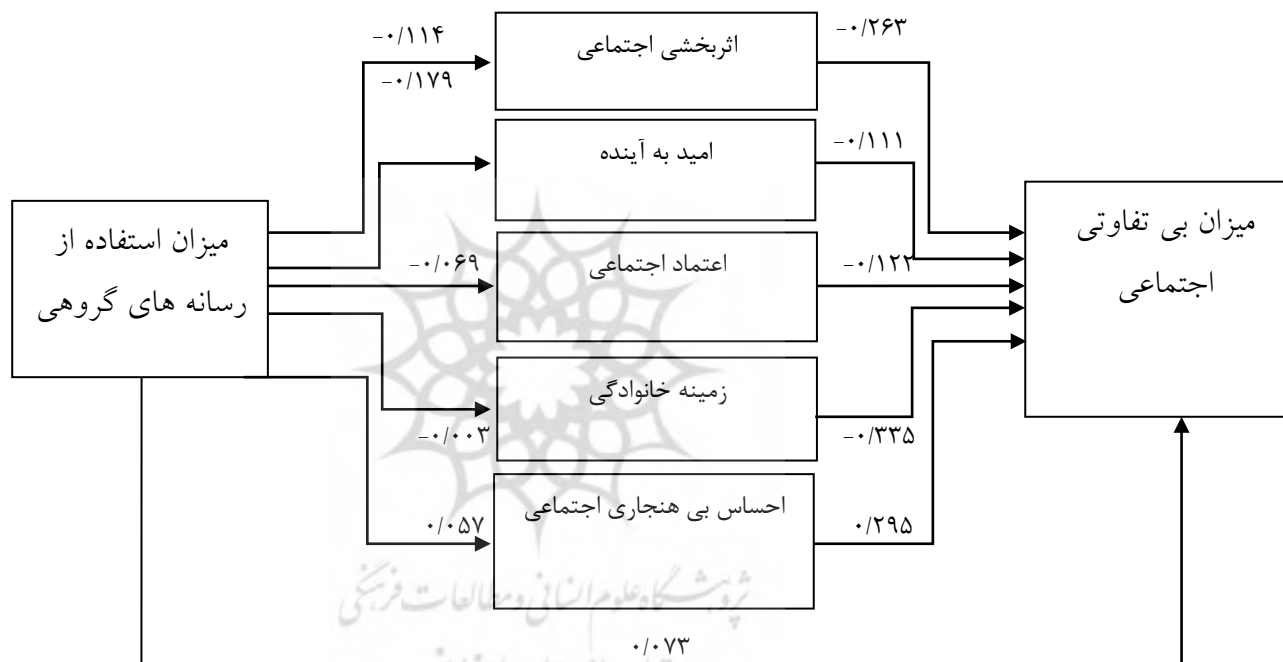
عدد ثابت	۲/۵۹	۲/۵۹	۳/۶۳	۴/۰۹۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۱۶	۰/۰۲۲	۰/۱۸۱	۰/۲۹۹
مقدار F	۱/۵۹	۱/۴۵	۸/۵۴	۱۰/۴۱
سطح معناداری	۰/۱۴۹	۰/۱۷۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰



براساس نتایج به دست آمده از دیاگرام تحلیل مسیر که در شکل (۴-۱) نشان داده شده است، می‌توان اینگونه ادعا کرد که متغیر زمینه خانوادگی با ضریب بتای ۰/۳۳۵- به صورت معکوس تأثیرگذارترین عامل بر بی‌تفاوتی اجتماعی بوده و متغیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۹۵ به صورت مستقیم عامل دوم و متغیر اثربخشی اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۶۳- به طور معکوس سومین عامل اثرگذار بر بی‌تفاوتی اجتماعی و متغیر میزان استفاده از رسانه‌های گروهی با ضریب بتای ۰/۱۷۹- به صورت معکوس و غیرمستقیم از طریق متغیر امید به آینده چهارمین عامل تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی اجتماعی می‌باشد. عامل تأثیرگذار بعدی متغیر اعتماد اجتماعی است که با ضریب بتای ۰/۱۲۲- به صورت معکوس بر بی‌تفاوتی اجتماعی اثرگذار بوده است و متغیر امید به آینده با ضریب بتای ۰/۱۱۱- به صورت معکوس بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیر گذاشته است.



بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)



شکل (۱-۴) مدل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بی‌تفاوتی اجتماعی یکی از پدیده‌هایی است که در صورت شیوع، جامعه با اختلال روبه‌رو خواهد شد؛ زیرا تکامل جامعه بشری در دوره‌های تاریخی برخاسته از اعتنای اجتماعی و عدم بی‌تفاوتی بوده است. هدف کلی تحقیق حاضر این بود که میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری و برخی عوامل مؤثر بر آن را مورد مطالعه قرار دهد. براساس نتایج؛ ۷/۷۳ درصد دانشجویان بی‌تفاوتی اجتماعی متوسط دارند. بین متغیرهای زمینه‌ای تحقیق شامل جنسیت، محل سکونت، قومیت، رشته و مقطع تحصیلی با بی‌تفاوتی اجتماعی تفاوت معناداری پیدا نشد. ولی بین وضعیت تأهل و بی‌تفاوتی اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد و همچنین بین سن با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. این نتیجه که محل سکونت افراد تأثیری در بی‌تفاوتی اجتماعی آنها ندارد با نظریات زیمل (شارع پور، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۱) هم‌خوانی ندارد. شاید بتوان گفت دلیل چنین نتیجه‌ای که افراد متأهل بی‌تفاوتی بیشتری نسبت به افراد مجرد نشان می‌دهند این باشد که افراد متأهل مشغله زندگی خصوصی بیشتری دارند که باعث می‌شود وقت کمتری برای فکر کردن و پرداختن به امور دیگران را داشته باشند؛ اما افراد مجرد وقت بیشتری برای مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و... دارند. دلیل این نتیجه که با افزایش سن دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها کمتر می‌شود این باشد که افراد با افزایش سن و با بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی، التزام مدنی و عملی بیشتری برای زندگی اجتماعی می‌یابند و نسبت به محیط پیرامون و افراد آن حساسیت بیشتری نشان می‌دهند.

نتایج نشان داد که بین بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های گروهی رابطه معنادار وجود دارد که این نتیجه مؤید نظریه لرنر (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۶۳-۱۶۲) مبتنی بر وجود همبستگی میان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی منطبق می‌باشد. اما از طرفی رابطه مذکور مثبت می‌باشد؛ یعنی با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های گروهی؛ میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد و بالعکس. رسانه‌های گروهی در تحقیق حاضر به شش مؤلفه تقسیم شده است که طبق آزمون همبستگی پیرسون انجام شده برای تک تک مؤلفه‌ها؛ فقط مؤلفه کار با شبکه‌های مجازی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم داشت؛ بنابراین، مؤلفه کار با شبکه‌های مجازی متغیر مهمی است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی به دقت و تفصیل مورد سنجش واقع شود و شاید دلیل چنین نتیجه‌ای این

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)

باشد که افراد با فعالیت در این شبکه‌ها، زندگی جدیدی را در یک دنیای متفاوت و تا حدی هیجان انگیز آغاز می‌کنند که تقریباً تمام امور زندگی آنها را تحت الشعاع قرار داده و درصد بالایی از وقت آنها را پر می‌کند به طوری که قدرت توجه و آگاهی آنها نسبت به محیط، وقایع، افراد و امور اطرافشان کاهش می‌یابد و شاید افراد با فعالیت در دنیای مجازی، دنیایی متفاوت با دنیای واقعی برای خود می‌سازند که در آن به دنبال تحقق خواسته‌های دست نیافتنی خود در دنیای واقعی هستند.

آزمون همبستگی نشان داد که بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و احساس بی‌هنجاری اجتماعی رابطه وجود دارد و اینبا نتایج مطالعات پیشین از جمله، فولادیان (۱۳۹۴)، حکمت پناه (۱۳۹۴)، نوابخش و میرزایی (۱۳۹۴)، محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰) و صداقتی فرد (۱۳۸۷) هم‌خوانی دارد و با نظریه دورکیم (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۶۰) منطبق است. در وضعیت بی‌هنجاری به دلیل عدم وجود الگو و روش مشخص برای فعالیت‌های نوع دوستانه و مدنی و همچنین عدم کنترل نتایجکنش در عرصه اجتماع؛ زمینه بی تفاوتی اجتماعی گسترش می‌یابد در وضعیت بی‌هنجاری افراد قادر به تصمیم‌گیری در مواجهه با موقعیت‌های مرتبط با مشارکت نوع دوستانه و مدنی نیستند. بنابراین در وضعیت بی‌هنجاری به دلیل اینکه هنجارها دچار تضعیف یا تعارض می‌شوند، فرد الگوی رفتاری مشخصی ندارد؛ بنابراین، دچار بی تفاوتی می‌شود.

براساس نتایج؛ بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و اعتماد اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات پیشین؛ از جمله، حکمت پناه (۱۳۹۴)، محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰) و صداقتی فرد (۱۳۸۷) هم‌خوانی ندارد و بررسی مفصل آن موکول به آینده است. نتایج نشان داد که بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و اثربخشی اجتماعی رابطه وجود دارد. در واقع وقتی فرد احساس می‌کند کنترل کمی روی حوادث اتفاق افتاده دارد یا احساس فقدان اظهارنظر در مورد مسائل روز توسط افراد جامعه وجود دارد و ...، فرد احساس عدم اثربخشی خواهد کرد که این احساس باعث ایجاد بی تفاوتی در فرد خواهد شد و با نتایج مطالعات پیشین؛ از جمله، ظهیری نیا (۱۳۹۳)، محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰) و صداقتی فرد (۱۳۸۷) هم‌خوانی دارد. این نتیجه مؤید نظریه دال است. بنابر نظریه دال (دال، ۱۳۶۴: ۱۳۰-۱۴۰، به نقل از مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۶۱)؛ هرگاه انسان فکر کند که نمی‌تواند در سیاست منشأ اثر گردد و ضمن درگیری و عمل سیاسی نتواند منشأ تغییراتی گردد، بی تفاوت خواهد شد. همچنین براساس نتایج؛ بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و زمینه خانوادگی آنان رابطه وجود دارد. این نتیجه مؤید نظریه ساسول (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۶) است که جریان اجتماعی شدن را از جمله عوامل دلمردگی در جامعه

معرفی می‌کند. بر این اساس تشویق‌های خانواده، اولویت‌ها و عملکردهای خانواده و بحث‌هایی که در خانواده در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی می‌شود همگی در عدم بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان نقش دارند.

۵-۱. پیشنهادات

همان‌طور که قبلاً اشاره شد دانشجویان سازندگان فردای جامعه و نیروی انسانی کارآمد و مؤثر در ارتقای سطح تولید و پیوند نهاد علم (دانشگاه) با نهادها و دستگاه‌های اجرایی محسوب می‌گردند؛ بنابراین، در برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توجه ویژه، به مسائل جوانان و دانشجویان حائز اهمیت است. از آنجایی که در تحقیق حاضر امید به آینده دانشجویان کمتر از حد متوسط است؛ بنابراین، باید مسائل و مشکلات آموزشی، شغلی و اقتصادی آنان مدنظر قرار بگیرد تا کارایی آنان مؤثرتر شود و همچنین برنامه‌هایی جهت اشتغال‌زایی جوانان برای افزایش امید به آینده شغلی آنها تنظیم شود.

با توجه به بالا بودن احساس بی‌هنجاری بین دانشجویان، کمترین کار ممکن برای کاهش این احساس این است که دانشگاه به‌عنوان نهادی از نهادهای جامعه، به هنجارهای دانشگاهی توجه کند؛ بنابراین، توجه بیشتر به هنجارهای دانشگاهی (انضباط کاری، رعایت قوانین و مقررات، رعایت اصول اخلاقی و...) توسط اساتید و کارکنان دانشگاه؛ علاوه بر کاهش احساس بی‌هنجاری دانشجویان باعث افزایش اعتماد نهادی نیز خواهد شد. از آنجایی که تحقیق حاضر نشان داد زمینه خانوادگی و تشویق‌ها و تنبیه‌های خانواده و اولویت‌ها و عملکرد آن در کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مسائل خانواده به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد جامعه، مورد توجه قرار گیرد و برای حل مسائل خانواده راه کارهایی اندیشیده شود؛ به طوری که خانواده محیطی گرم و صمیمی برای فرزندان و ارتقای هر چه بیشتر آنان شود.

با اهمیت دادن به نظر و خواسته‌های افراد و بهره‌گیری از پیشنهادات آنان می‌توان حس مطلوب اثربخشی اجتماعی را تقویت کرد و از آن به‌عنوان فرصت استفاده کرد (استفاده از پتانسیل خود افراد برای حل مشکلات جامعه نه کنار زدن آنان از امور اجتماعی). نمونه عملی این کار می‌تواند ایجاد امکان ارائه نظر دانشجو در کلاس توسط استادان دانشگاه و ارائه کنفرانس توسط دانشجو و مشارکت دادن دانشجویان در امور دانشگاه توسط مسئولان دانشگاه باشد. دعوت دانشجویان به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و همچنین دخالت دادن آنان در سرنوشت اجتماعی - سیاسی خود می‌تواند احساس کارایی و اثربخشی آنان را افزایش دهد.

تشکر و قدردانی

در انجام این مطالعه، در بخش نمونه گیری و گردآوری داده ها، معاونت آموزشی و دانشجویی دانشگاه حکیم سبزواری همکاری نمودند. بدین وسیله از همکاری آنها تشکر می شود.

منابع

- بختیاری، مهدی (۱۳۸۹). «اعتماد اجتماعی و رابطه برخی عوامل اجتماعی با آن: مطالعه موردی شهر قم». مطالعات فرهنگی اجتماعی، (۲): ۶۵-۹۲.
- بنی فاطمه، حسین؛ رسولی، زهره (۱۳۹۰). «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن». جامعه‌شناسی کاربردی، (۴۱): ۱-۲۶.
- حکمت پناه، شهلا (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: افراد ۶۰-۲۰ سال منطقه ۱ شهر تبریز سال (۱۳۹۴)). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- شارع پور، محمود (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی شهری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۹۲). بی تفاوتی اجتماعی (معناکاوی، بنیان نظری و سبب شناسی). چاپ دوم، اصفهان: بهتا پژوهش.
- ظهیری نیا، مصطفی؛ گلابی، فاطمه؛ هدایت ایوریق، رحیم. (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل مؤثر بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی». مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۲(۴۵): ۸۶-۱۲۱.
- علیخواه، فردین. (۱۳۸۳). سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی. چاپ اول، جلد ۱ و ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.
- فولادیان، احمد (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۵(۱۷): ۱۲۵-۱۴۴.
- قاضی‌زاده، هورامان؛ کیانپور، مسعود (۱۳۹۴). «بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)». پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۴(۱): ۵۹-۷۸.

- کلانتری، صمد؛ ادیبی، مهری؛ ربانی، رسول؛ احمدی، سیروس. (۱۳۸۶). «بررسی بی تفاوتی و نوع دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن». دانشور رفتار، ۱۴(۲۲): ۲۷-۳۶.
- محسنی تبریزی، علی رضا؛ صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰). «پژوهشی درباره بی تفاوتی در ایران (مورد پژوهش شهروندان تهرانی)». جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۳): ۱-۲۶.
- مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، (۱۶۷ و ۱۶۸): ۱۶۵-۱۵۲.
- مقصودی، بهزاد (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان و طلاب. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- نوابخش، مهرداد؛ میرزاپوری ولوکلا، جابر (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بابل)». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۷(۳): ۶۸-۵۳.

Davis. Zachary. (2009), "A Phenomenology of Political Apathy: Scheler on the Origins of Mass Violence", *Cont Philos Review*: 42:149-169.

Ganz Dean. Dwight, A.B. (1956), "Alienation and Political Apathy." Phd Thesis. The Ohio State University.

Handelman.Ran. (1999), "Defining and Assessing Adolescent Apathy ".Phd Thesis. University of New York.

Leo B. Van Snippenburg and Peer Scheepers. (1991), "Social Class and Political Behavior during a Period of Economic Stagnation: Apathy and Radicalism in the Netherlands, 1985", *Political Psychology*, Vol. 12, No. ۱: ۴۱-۶۳.

Michael E. Antonio & Jacqueline L. Young. (2011), "The Effects of Tenure on Staff Apathy and Treatment Orientation: A Comparison of Respondent Characteristics and Environmental Factors" .*Am J Crim Just*: 36:1-16.

Schou. Rebecca. (2015), "Countering Student Apathy to Increase Student Engagement". Phd Thesis. Walden University